

تایی شروع کردیم به حرف زدن. دوتایی درباره گل‌ها حرف زدیم، درباره کلاس‌هایی که اون می رفت تا شعر گفتن یاد بگیره و اینکه اگه به روز لازم باشه دختره با اون همه چشم عینک بزنه، چه مشکلاتی ممکنه برایش پیش بیاد! راستش این خیلی فوق‌العاده است که آدم دختری رو بشناسه که توی صورتش به عالم چشم داره! ولی سر تا پا تون خیس خیس میشه اگه به هو دختره طاقتش تموم بشه و بزنه زیر گریه!

### جیمز

پاپا توئل برای جیمز کوچولو به خرس عروسکی هدیه آورد. خب اون از کجا می‌تونست بدونه که سال گذشته به خرس گریزلی واقعی به جیمز حمله کرده؟!

### ای پدر ما که در آسمانی

لئاندر و اوروینا! اسدالله امرایی.

گروه‌بان که از خواهر و مادر بچه بازجویی می‌کرد، سروان دست بچه را گرفت و با خود به اتاق دیگر برد.

گفت: بابات کجاست؟

بچه زیر لب گفت: رفته آسمان. سروان با تعجب پرسید: چی؟ مرده؟

بچه گفت: نه. هر شب از آسمان پایین می‌آید، با ما شام می‌خورد.

سروان چشم گرداند و در کوچکی را در سقف دید.

دختری که خیره نگاه می‌کرد زمانی دختری رو می‌شناختم که همیشه به جایی زل زده بود. به نظرم اصلاً هم برایش فرقی نمی‌کرد به کی یا کجا نگاه می‌کنه. ممکن بود به زمین خیره بشه، یا به آسمون. گاهی هم ممکن بود، واسته و به شما زل بزنه، بدون اینکه دلیلی داشته باشه. ولی بعد از اینکه توی مسابقات محلی خیره شدن نفر اول شد همه چی تغییر کرد، دختره چشم هاش رو فرستاد که برن حسابی برای خودشون استراحت کنن!



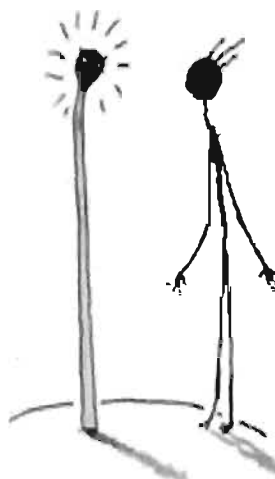
### دختری با به عالمه چشم

یک روز توی پارک چیز خیلی عجیب و غریبی دیدم. به دختر رو دیدم، دختره به عالم چشم داشت! اون واقعا زیبا بودا خیلی زیبا! راستش اون قدر زیبا بود که غافلگیرم کرد! و از اون جایی که دختره به دهن هم توی صورت قشنگش داشت، دو

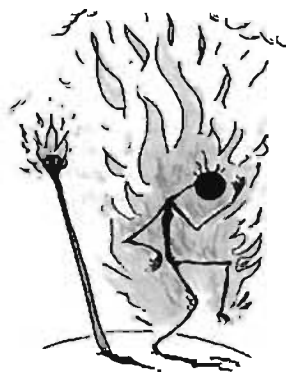
## چند داستانک از:

«تیم برتون»

ترجمه: شیرین معتمدی



پسرچوبی، عاشق دختر کبریتی شده بود، راستش خیلی هم دختره رو دوست داشت. از اندام قشنگش خوشش می‌اومد. گاهی هم با خودش فکر می‌کرد دختره چه داغ و پرشوره. به عشق حسابی! ولی چه طور میشه به آتیش داغ، اونم میون به تیکه چوب و به سیخ کبریت باقی بمونه؟ خب آخرش شعله آتیش کار خودش رو می‌کنه، همون طور که پسر چوبی رو آتیش زد و سوزوند.



# داستانک

در ویکی پدیا، دانشنامه آزاد درباره داستانک آمده است: داستان فلش، داستانک یا داستان کوتاه کوتاه قالبی در داستان نویسی است که در چند خط یا حداکثر یک صفحه نوشته می‌شود و در پی یک کشف ضربه زننده است. این کشف می‌تواند غافلگیر کردن خواننده و ایجاد شوک، شوخی و یا نمایش لحظه ای زیبا باشد.

در فارسی می‌توان آن را «داستان ناگهانی»، «داستان لحظه»، و «داستان آنی» ترجمه کرد.

انواع داستانک:

- داستان کوتاه کوتاه: زیر ۲۵۰ کلمه.
- داستان برق آسا (Flash Fiction): حجم این نوع داستان بین ۲۵۰ - حداکثر حجمی که جروم استرن برای مسابقه سالانه «بهترین داستان کوتاه کوتاه» می‌پذیرد - و ۷۵۰ کلمه متغیر است. از داستان ناگهانی (sudden fiction) بسیار کوتاهتر است.

- داستان ناگهانی (sudden fiction): حجم داستان‌های ناگهانی از داستان برق آسا بیشتر است اما از داستان کوتاه کمتر و حداکثر ۱۷۵۰ تا ۲۰۰۰ کلمه است.

در اینجا چند نمونه از داستانک‌ها را می‌خوانید: